

روابط اقتصادی- تجاری و سیاسی ایران و چین در عصر ساسانیان

شهرزاد ساسان پور^۱

تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۱/۰۲ - تاریخ قبول ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات ایران کهن - شماره اول، سال اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰

چکیده

مقاله حاضر با روش تاریخی- تحلیلی و با هدف بررسی روابط دولت ساسانی با چین در ابعاد اقتصادی - تجاری و سیاسی تدوین شده است. با سقوط سلسله اشکانی و سرکوبی کوشان ها توسط ساسانیان، بازرگانان سغدی جایگزین کوشان ها در روابط میان ایران و چین شدند. یافته های این پژوهش حاکی از آن است که عواملی همانند رقابت های دولت ساسانی با روم شرقی بر سر انحصار محصول ابریشم، برگزیده شدن سکه نقره ساسانی در تبادل کالا با روم و...، ایجاد بنداری در دو سوی خلیج فارس، مهاجر نشین ها و شهرهای جدید در آسیای میانه و اقامت سغدیان در شهرهای لویانگ و چانگ - آن، موجب گسترش مناسبات اقتصادی- تجاری میان ایران و چین شد. اما از دوران قباد اول برای سرکوبی هیاطله، عصر خسرو انوشیروان برای سرکوبی ترکان و پس از آن از دوران یزدگرد سوم و اعقاب وی در راستای سرکوبی تازیان (اعراب مسلمان) از خاقان چین درخواست مساعدت گردید که هرچند نافرجام بود، اما موجب شد تا مناسبات میان دو کشور ابعاد سیاسی یابد. پس از مرگ یزدگرد سوم، خاقان چین پسر وی به نام پیروز را به عنوان « پادشاه ایران» در منطقه کوچکی از سیحون به رسمیت شناخت، اما حمله اعراب مسلمان (تازیان) به تخارستان موجب پناهندگی پیروز به چین و قرارگرفتن وی در ردیف افسران افتخاری خاقان شد. تلاش های نرسی فرزند پیروز و بهرام پسر یزدگرد نیز در حمله به تازیان نیز ناکام ماند و از آنجایی که ساسانیان خطری برای چین محسوب می شدند، لذا خاقان چین در برابر قرار گرفتن اعقاب یزدگرد سوم میان دو قدرت تازیان و ترکان شرقی سکوت اختیار کرد .

واژگان کلیدی: چین ، ساسانیان، روابط اقتصادی-تجاری ، روابط سیاسی، بازرگانان سغدی

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - تهران مرکز Sh.sasanpur@gmail.com

مقدمه

مناسبات منظم میان ایران و چین در زمان اشکانیان (۲۵۶ ق.م-۲۲۴م) و پس از تشکیل سلسله حکومتی هان (۸۷-۱۴۰ ق.م) در ابعاد اقتصادی-تجاری با چین آغاز شد. جاده ابریشم که از چین تا آسیای مرکزی ادامه داشت و بخشی از آن با عبور از خاک ایران، وارد امپراتوری کوشان ها می شد، مهمترین عامل مناسبات اقتصادی میان ایران و چین در عصر اشکانیان و در تداوم آن تا پایان عصر ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱م) بود. متعاقب فتح شهرهای کلیدی نواحی شرقی ایران و سقوط امپراتوری کوشان ها در عصر ساسانیان، مناسبات بازرگانی میان ایران و چین ادامه یافت، اما برخلاف عصر اشکانیان که بازرگانان کوشانی واسطه تجارت میان ایران و چین بودند در عصر ساسانیان، بازرگانان سغدی جایگزین آنان شدند. از نظر مذهبی سغدیان به آیین های زرتشتی^۱، مسیحیت نسطوری^۲، مانوی^۳ و بودایی^۴ اعتقاد داشتند. پس از ایجاد شهرهای جدید و مهاجر نشین ها در اطراف جاده ها و نواحی دور دست آسیای میانه توسط دولت ساسانی، در راستای رقابت های اقتصادی-تجاری با امپراتوری روم شرقی، اهالی سغد به بازرگانان چیره دستی تبدیل شدند که به چین رفت و آمد داشتند. در این میان اقامت پاره ای از سغدیان در شهرهای مهم تجاری چین مانند لویانگ و چانگ - آن نه تنها موجب گسترش روابط اقتصادی و سیاسی میان دو کشور شد، بلکه از عوامل اصلی نفوذ آیین ها، مذاهب و فرهنگ ایرانی در چین و بر عکس بود. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که عوامل اصلی در تغییر مناسبات میان ایران و چین در عصر ساسانیان از ابعاد اقتصادی-تجاری به ابعاد سیاسی چه بودند؟ روش به کار رفته در این پژوهش از نوع تاریخی-تحلیلی است.

^۱ - Zoroastrian

^۲ - NestorianChristianity

^۳ - Manicheism

^۴ - Buddhist

پیشینه پژوهش

درباره روابط ایران و چین در زمان ساسانیان به صورت مستقیم و غیر مستقیم کتب، مقالات و پژوهش های مختلفی تدوین شده است. در بسیاری از مطالعات و پژوهش های نوین، مانند ایران در زمان ساسانیان نوشته کریستن سن، تاریخ ایران ساسانی نوشته سعید نفیسی، شاهنشاهی ساسانی نوشته تورج دریایی، ایران باستان نوشته ویسهوفر، ایران در عهد باستان نوشته محمد جواد مشکور و... به روابط میان ایران و چین در عصر ساسانیان به صورت کلی و مجمل پرداخته شده است. برخی از مطالعات به صورت مستقیم به تاریخ روابط میان دو کشور مزبور اختصاص دارند. در این خصوص پژوهشگران ایرانی کتبی را تدوین کرده اند همانند علاء الدین آذری نویسنده «تاریخ روابط ایران و چین». همچنین عباس تشکری نویسنده کتاب «ایران به روایت چین باستان - نگاهی به روابط سیاسی، تجاری و فرهنگی ایران و چین تا اسلام» در خلال ۵ فصل به بررسی این موضوع از آغاز تا پایان عصر ساسانی پرداخته است. از میان پژوهشگران خارجی پائولو دینا در کتاب «ایران ساسانی از دیدگاه منابع چینی» به مباحث تاریخی، جغرافیایی، مردم شناسی، اقتصادی، سازمان های اداری، سیاسی، نظامی، قضایی، دین، زبان و نوشتار ساسانیان توجه کرده است. جان سین لیان نیز در کتاب «متون باستانی پیرامون تاریخ روابط ایران و چین از روزگار اشکانیان تا شاهرخ تیموری» در ۶ فصل به بررسی این موضوع پرداخته که فصل سوم آن را به روابط میان دو کشور در عصر ساسانیان اختصاص داده است. همچنین در تاریخ ایران کمبریج مقالاتی در زمینه روابط ایران و چین در عصر ساسانیان همانند مقاله «ایران و چین» نوشته ویلیام واتسن و... موجود است. ادوین پولی بلنک نیز مقاله «مناسبات چین - ایران در دوران پیش از اسلام» را در دایره المعارف ایرنیکا منتشر کرده است. هر چند منابع فوق به صورت مستقیم به مناسبات ایران و چین در دوران ساسانیان پرداخته اند، اما این مناسبات به صورت کلی بیان شده اند. کوانچی هاندا در مقاله «روابط سیاسی ایران و چین در دوره ساسانی» که در مجله بررسی های تاریخی - سال ششم - ۱۳۵۰ به چاپ رسیده نیز به بررسی ابعاد سیاسی دو کشور پرداخته است. همچنین یه ئی لیانگ در مقاله «رفت و آمدهای دوستانه بین چین و ایران در زمان قدیم» که در مجله

سیاست خارجی شماره ۴-مهر و آذر ۱۳۶۶ چاپ شده به بررسی کلی روابط ایران و چین از عصر باستان تا عصر مغول پرداخته که تمرکز نویسندگان بر مبادلات بازرگانی و فرهنگی بخصوص نفوذ ادیان زرتشتی، نسطوری، مانوی، بودایی و زبان فارسی از ایران به چین است باشد. حمید رضا پاشا زاده زانوس در مقاله ای تحت عنوان « مناسبات ایران و چین در دوره ساسانی و تأثیر آن بر فرهنگ چین با استناد به منابع چینی» که در نشریه تاریخ اسلام و ایران شماره ۴۵ به چاپ رسیده ، نفوذ بن مایه های ایرانی در زمینه پوشش، کالاهای لوکس و سایر عرصه های هنری و فرهنگی ایرانی را که از طریق روابط سیاسی و فرهنگی به چین وارد شده مورد بررسی قرار داده است. در بخشی از مقاله « روابط ایران و چین در عهد باستان» نوشته علی اکبر حقی که در فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز به چاپ رسیده نیز به روابط سیاسی ایران و چین در عصر ساسانیان به صورت مجمل و کلی پرداخته شده است. در مقاله حاضر تلاش بر آن است تا ضمن بررسی اجمالی روابط اقتصادی-تجاری و سیاسی میان ایران و چین در عصر ساسانیان به بررسی علل مؤثر در تغییر ابعاد روابط میان طرفین از اقتصادی-تجاری به سیاسی پرداخته شود.

۱- روابط اقتصادی-تجاری ایران و چین در عصر ساسانیان

از حدود هزاره چهارم ق.م چینیان تماس هایی با فلات ایران داشتند ، اما کهن ترین تماس مستقیم آنان مقارن با حکومت اشکانیان در قرن ۲م به هنگام ورود چانگ چیان 'سفر' « ووتی» فرمانروای مقتدر دودمان^۲ هان (۸۷ - ۱۴۰ ق.م) آغاز شد(یارشاطر، ۱۳۶۸: ۶۹ ؛ واتسن، ۱۳۶۸: ۶۵۲) . مأموریت اصلی سفیرچین مبنی بر اتحاد چین با یوئه چی ها در برابر هسیونگ -نوها^۳ بود . هسیونگ -نوها (احتمالاً هون ها) عامل شکست و عقب نشینی یوئه چی ها^۴ سکائیان و به قولی تخارها) (زمیال ، ۱۳۶۸: ۳۴۴ ؛ بیوار، ۱۳۶۸: ۲۸۷) و مهاجرت آنان از

^۱ - Chang chyan

^۲ - Han

^۳ - Hsiung-nu

^۴ - Yueh-chih

موطن اصلی شان در شمال غرب چین و نواحی کانسو^۱ به نواحی دور دست غرب، منطقه سغدیان و سکونت تدریجی آنان در نواحی جیحون و سمرقند بودند. با وجود این نتیجه و پیامد اصلی سفارت چانگ چیان، برقراری مناسبات سیاسی و تجاری میان چین و اشکانیان بود. متعاقب سرکوبی سکاها توسط مهرداد دوم اشکانی (۸۷-۱۲۴ ق.م) اولین کاروان تجاری چین وارد ایران شد. مدتی بعد در نتیجه شکسته شدن مقاومت ناحیه تایوان (ظاهراً فرغانه)^۲ توسط چینی ها که به تقاضای ووتی (فرمانروای چین) مبنی بر فرستادن اسبان معروف این ناحیه جهت خراج واقعی نهاده بود، میان چین و سغدیان روابط مستقیم و دوستانه برقرار شد (واتسن، ۱۳۶۸: ۶۵۲ و ۶۵۶). در عصر اشکانیان جاده ابریشم و کالاهای ابریشمی مهمترین عامل برقراری روابط اقتصادی- تجاری میان ایران و چین بود. این مسأله کماکان در عصر ساسانیان تداوم داشت، اما این روابط منظم نبود، زیرا از یک سو سغدیان با مرکزیت سمرقند واسطه این روابط بودند و از سوی دیگر چین به علت مشکلات داخلی کاملاً متحد و یکپارچه نشده بود (فرای، ۱۳۶۸: ۲۷۱). پس از ورود آخرین سفیر چین به دربار اشکانیان بالغ بر ۲۰۰ سال روابط میان دو کشور برقرار نشد. نا امنی و آشوب های داخلی موجب شد تا حتی حکمرانان چین از تغییر حکومت ایران از اشکانیان به ساسانیان مطلع نباشند، بخصوص آنکه با سقوط سلسله هان و تجزیه چین این بی خبری و قطع روابط تداوم یافت (آذری، ۱۳۶۷: ۴۸).

با وجود این قبل از وحدت چین به دست هوانگ تی^۳ (فرانک و براوتسون، ۱۳۷۶: ۲۱) نخستین خاقان دودمان چین (۲۰۷-۲۲۱ ق.م) بازرگانان و سربازان ثروتمند و مالدار ایرانی، مبلغان بودایی و مسیحی به چین و شرق دور رفت و آمد داشتند، اما تماس های آنان از طریق کوشان ها، سپس سغدیان و بخصوص ترکان (که بر بخش هایی از چین حکومت داشتند) انجام می شد (فرای، ۱۳۶۸: ۲۷۱).

^۱-Kanso

^۲-Ta-yuan

^۳- Hwang Tiy

اگر چه برای مدت ۳/۵ قرن روابط میان چین و دولت های غربی نامنظم بود، با وجود این بر اساس گزارش های چین شو^۱ سفارت هایی از کانگ چو^۲ و تایوان (ظاهر فرغانه) میان سال های ۲۸۵-۲۶۷م از سوی حکمران چین به سرزمین های غربی آن فرستاده شد، در نتیجه ارتباط ایالات مرزی ایران در حوضه رود تاریم^۳، سغدیان و افغانستان در این دوران تحت نظارت کوشان ها و هپتال ها^۴ برقرار شد (۴۲۵: ۱۹۹۲, Pulley Blank). امپراتوری کوشان ها (در شرق امپراتوری ساسانی تا دره های مرز شمال غربی پاکستان فعلی) که در سایه تجارت جاده ابریشم ثروتمند شده بود، پس از تصرف نواحی پیشاور (پشکپور)، تاشکند، دره سند، بلخ، سمرقند به دست شاپور اول ساسانی (۲۴۰-۲۳۹ م/ ۲۷۲-۲۷۰ م) از میان رفت (فرای، ۱۳۶۸: ۲۲۷).

در خلال قرون ۴ تا آغاز قرن ۷ م مورخان چینی از ایران تحت عنوان بوسی (تشکری، ۲۵۳۶: ۲۷ و ۴۳-۴۵؛ به ئی لیانگ، ۱۳۶۶: ۸۴۶/۴) یاد کرده اند که سفیرانی به دربار خاندان وی شمالی در چین فرستادند (سین لیان، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۸). همچنین در این راستا کلمه پوسه (پوسسه، پوسو، پوسسو) را نیز به کار برده اند که تحریف کلمه پارسی بود و برای نامیدن شاهان ساسانی نیز از آن استفاده می شد (هاندا، ۱۳۵۰: ۳۳/۱۶۰ پاورقی های ۱۴-۲۱؛ بیانی، ۱۳۵۰: ۳۵/۲۵۴ به نقل از وی شو، جلد ۱۲؛ دفینا، ۱۳۹۶: ۱۱-۱۳ دیباچه؛ هادی، ۱۳۷۱: ۱۳۰-۱۲۹؛ واتسن، ۱۳۶۸: ۶۵۴). در این میان هرچند گزارشی مبنی بر اعزام سفرایی از دربار پادشاهان دوره اول ساسانی به دربار حکام چین در دست نیست، اما کشف سکه های شاپور اول (۲۴۰-۲۳۹ م/ ۲۷۲-۲۷۰ م)، شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م/)، اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ م) و شاپور سوم (۳۸۸-۳۸۳ م) در تورفان (هاندا، ۱۳۵۰: ۳۳/۱۵۹؛ بیانی، ۱۳۵۰: ۳۵/۲۵۴؛ تاراجی، ۱۳۵۰: ۳۴؛ به ئی لیانگ، ۱۳۶۶: ۴/۸۴۹)، قباد اول (۴۹۶-۴۸۸ م/ ۴۹۹-۵۳۱ م) و در مسیر راه های شمالی جاده ابریشم بخصوص در سین کیانگ و محدوده بنادر

^۱- Chin shu

^۲- kang- chu

^۳- Tarim

^۴- HephthaLites

جنوبی چین، نشانگر برقراری روابط بازرگانی میان ایران و چین در دوران ساسانیان است (Pulley Blank, ۱۹۹۲, ۴۲۶). متعاقب وحدت یافتن چین شمالی توسط دولت توبا (۵۲۸-۳۸۶ م) یا وی شمالی^۲، ده هات و سفارت از ایران ما بین سال های ۵۲۲-۴۵۵ م به دربار فرمانروایان وی شمالی اعزام شدند (هاندا، ۱۳۵۰: ۳۳ / ۱۶۰؛ یه ئی لیانگ، ۱۳۶۶: ۴ / ۸۴۸)؛ برای نمونه در دوران حکومت قباد اول هیأتی در سال ۵۱۸ م/ از ایران به دربار حاکم وی شمالی روانه شد. همچنین یکی از سفارت های هیأت ایرانی به چین در عصر ساسانیان که هدایایی از جمله چند زنجیر فیل جهت تقدیم به حکمران آن به همراه داشتند، ابتدا به دستور فرمانروای وی شمالی بازداشت شدند، اما پس از مدتی آزاد شده و مأموریت خود را به پایان رساندند (مشکور، ۱۳۵۶: ۲۲).

از سقوط سلسله هان تا سال ۵۸۹ م/ خاندان های مختلفی بر چین حکومت داشتند، با وجود این میان ایران و حکام نواحی شمالی، جنوب و غرب چین مناسبات برقرار بود. خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱ م) در دوران حکومت خود دو سفیر به دربار فرمانروای چین برای کمک در زمینه دفع ترکان شرقی فرستاد (مسعودی، ۱۳۴۴: ۱ / ۲۶۰).

ما بین سال های ۵۳۵-۵۳۳ م/ هیأت های ایرانی وارد دربار فرمانروای سلسله جنوبی لیانگ شدند. دولت «وی» غربی (۵۵۷-۵۳۵ م) نیز که موفق شده بود بر بخشی از قلمرو «وی شمالی» دست یابد، در سال ۵۵۵ م/ هیأتی را به ایران فرستاد (Pulley Blank, ۱۹۹۲, ۴۵۲). از روابط اقتصادی- تجاری ایران و چین در عصر هرمز چهارم (۵۹۰-۵۷۹ م/) اطلاعی در دست نیست، اما پس از اتحاد مجدد چین توسط یانگ شی^۳ در سال ۵۸۹ م/ و تشکیل دولت سوئی (۶۱۸-۵۸۱ م/) روابط اقتصادی- تجاری میان چین و ایران مجدداً بر قرار شد (۴۵۲, ۱۹۹۲, ibid). در حقیقت مقارن با سلسله سوئی و ایجاد ثبات سیاسی و امنیتی در چین، روابط اقتصادی- تجاری و سیاسی ایران و چین وارد مرحله جدیدی شد.

^۱- TUBAWEI

^۲- Wei

^۳- Yang-chien

در آغاز قرن ۷م امپراتوران سلسله سوئی نسبت به پناهندگان و هم پیمانان ایرانی به صورت رسمی سیاست تساهل را در پیش گرفتند که در نوع خود، سیاستی تازه و جدید بود (پاشا زانوس، ۱۳۹۹: ۲۱-۲۲). در این راستا امپراتور یانگ تی^۱ (۶۰۵-۶۱۷م) هیأت تجاری خود را نزد خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸م) فرستاد و خسرو نیز در پاسخ هیأتی را به دربار سوئی اعزام کرد (۴۵۲، ۱۹۹۲، Pulley Blank). علاوه بر این کشف سکه های نقره ای متعلق به عصر خسرو پرویز و ظروف به دست آمده از منطقه هوجاسین در چین که نقوش عصر ساسانی بر آن دیده می شود، نمایانگر تداوم روابط اقتصادی- تجاری میان ایران و چین در عصر سلسله تانگ (۹۰۶-۶۱۸ م) است (فرای، ۱۳۶۸: ۲۷۱؛ آذری، ۱۳۶۷: ۵۵). از عصر خسرو پرویز تا پایان ساسانیان روابط میان ایران و حکام چین جنبه سیاسی یافت. در مبحث ذیل به بررسی مسیرهای تجاری میان ایران و چین و کالاهای مبادله شده میان طرفین در عصر ساسانیان پرداخته شده است.

۱-۱ - مسیر خشکی تجارت

جاده ابریشم مهمترین راه تجاری خشکی ایران بود که در کنار سایر راه های خشکی عامل اصلی اتصال مراکز مهم تجارت داخلی و نیز شهرهای اصلی ترانزیتی با سایر کشورها بود. در چین نیز شهر چانگ - آن^۲ یا سی نگان فو- پایتخت سلسله تانگ که در دوران هیوان تسانگ (۷۱۲-۷۵۶م) به اوج شکوه خود رسید (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۳۵۵) مرکز عمده بازرگانی شرق با غرب بود که بازرگانان در آن به خرید و فروش کالاهای مورد نظر می پرداختند. علاوه بر این، سایر کالاهای خارجی وارداتی از آسیای مرکزی و غربی در این شهر انبار می شد، سپس از طریق شاهراه های سلطنتی به سراسر چین توزیع می شد (فرانک و براوتسون، ۱۳۷۶: ۲۱-۲۲). مسافران، رهگذران و بازرگانان جاده ابریشم با پشت سر نهادن شهر چانگ - آن از طریق دروازه غربی و عبور از امتداد دالان هی سی^۳، رودخانه هوانگ هو

^۱ - yang - ti

^۲ - changan

^۳ - Hsieh

و طی دالان کانسو و منزلگاه مرزی تون هوانگ (دونگ خوان در منتهی الیه غرب دیوار چین) ، عازم غرب شده ، سپس با عبور از بیابان های حوضه تاریم^۱ در سین کیانگ^۲ (ترکستان چین) ، واقع در شمال غرب چین (مارکوپولو ، ۱۳۶۹ : ۶۴) از راه جنوب جاده ابریشم وارد ختن شده و با عبور از نواحی فلات پامیر در آسیای مرکزی و شهرهای یارکند ، فرغانه (ابن حوقل ، ۱۳۴۵ : ۲۳۸) ، تاشکند و سمرقند (ابن خردادبه ، ۱۳۷۱ : ۵۸-۵۹) ، نواحی خراسان بزرگ (همان ، ۵۴) و آسیای غربی راه خود را در سواحل شرقی دریای مدیترانه خاتمه می دادند. به عبارتی جاده ابریشم در غرب فلات پامیر به دو شاخه تقسیم می شد؛ شاخه اول از فرغانه و سمرقند به مرو منتهی می شد و شاخه دوم نیز با عبور از بلخ به مرو منتهی می شد (ابن خردادبه ، ۱۳۷۱ : ۱۷۰-۱۶۹) . علاوه بر این جاده ابریشم از شهرهای ایران مرکزی ، جنوبی و در غرب از شهرهای صد دروازه (هکاتوم پلیس) ، ری و اکباتان (همدان) عبور کرده (همان، ۱۲۱) سپس به تیسفون ، بغداد ، حلوان ، سواحل دجله (مقدسی ، ۱۳۶۱ : ۲ / ۱۶۵-۱۶۸) ، پالمیر (سوریه) ، حلب ، انطاکیه (همان ، ۲۷۷) و صور (لبنان) منتهی می شد و پس از آن کالا های تجاری از راه دریا به اسکندریه (مصر) و شبه جزیره ایتالیا سوق داده می شدند . حمله دزدان نواحی کوه های پامیر و غرب دجله بر کاروان های جاده ابریشم (زنجانی ، ۱۳۸۰ : ۲ / ۵۷۴) موجب نا امنی این مناطق می شد، اما غالباً مکان ها و شهرهایی که بر سر جاده ابریشم قرار داشتند، توسط نظامیان و ارتش هر کشور اداره می شدند و سغدیان نیز از راه های آسیای مرکزی محافظت می کردند (نفیسی ، ۱۳۸۳ : ۵۵) . بزرگترین عامل مؤثر در گسترش روابط تجاری میان دو دولت « تشویق تجار داخلی و خارجی و ایجاد تسهیلاتی برای تجارت های بین المللی و ترمیم و امن کردن راه ها» بود (بیانی، ۱۳۵۰ : ۲۵۳/ ۳۵).

^۱ - Tarim

^۲ - sin kiang

در این راستا کشف سکه هایی متعلق به ۱۲ شاه ساسانی از شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹م) تا یزدگرد سوم (۶۳۳-۶۵۱م) در طول جاده ابریشم و نواحی سین کیانگ، هسیانگ^۱، لویانگ^۲ (۴۵۲، ۱۹۹۲، Pulley Blank، یه ئی لیانگ، ۱۳۶۶: ۴ / ۸۴۹) و برخی از استان های جنوب شرقی چین همانند کوکوگانگ^۳، یینگ داک^۴، سوئی کائی^۵ و گوانگ دونگ (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۰۶-۱۰۵) نشانگر اهمیت مستمر ایران در تجارت با نواحی جنوبی چین است. همچنین از عصر عرب- ساسانی تعداد ۱۹۳۰ قطعه سکه نقره از نواحی شمال و شمال غرب چین در شین چیانگ، گائو چانگ، لویانگ و استان شانشی، به دست آمده اند که بیانگر آن است که از طریق راه های تجاری زمینی ایران از آسیای مرکزی، نواحی سغد و بلخ به چین وارد شده اند. تعداد ۱۳۲۸ از این سکه ها به عصر خسرو پرویز تعلق دارد (پاشا زانوس، ۱۳۹۹: ۲۳-۲۵ به نقل از ۹۱-۹۲: ۱۹۷۴، Hsia، ۳۵، ۵۴: ۲۰۰۴، sun). علاوه بر این کشف دو سکه از دوران خسرو انوشیروان در خونان چین و تعداد ۷۶ سکه متعلق به دوران پیروز از منطقه شی نینگ در استان کوکونور که محل ضرب آنها استان های شرقی ایران همانند بلخ، دارابگرد، همدان، اصطخر، کرمان، مرو، نهاوند و... بوده و کشف ۱۰۰۰ سکه طلای ساسانی در «اولخ آرت» چین و ۱۰۰ سکه در شی نینگ (تشکری، ۲۵۳۶: ۵۲-۵۳) و... همگی دلالت بر گسترش تجارت میان امپراتوری چین و امپراتوری ساسانی دارد.

۲-۱- مسیر دریایی تجارت

ساسانیان علاوه بر مسیر های خشکی به مسیرهای دریایی در زمینه تجاری نیز توجه داشتند. نخستین عامل مؤثر در توسعه اقتصادی - تجاری عصر ساسانیان نفوذ قدرت های نوظهوری همانند هیاطله و ترکان در آسیای مرکزی بود که تجارت از طریق راه های خشکی را تهدید می کردند (تشکری، ۲۵۳۶: ۳۶). دومین عامل مهم در این زمینه تسلط ساسانیان بر خلیج فارس و

^۱- Hasi-ang
^۲- Logang
^۳-kukogung
^۴- Yangdak
^۵- suikai

ایجاد چندین بندر در دو سوی آن مانند وهشت اردشیر در خوزستان، بهان اردشیر در ساحل دجله، بتن اردشیر روبه روی جزیره بحرین، سیراف در سواحل شمالی خلیج فارس، ریشهر در جزیره هرمز یا شش کیلومتری بوشهر (همان، ۳۴)، بُخت اردشیر (بوشهر)، هرمز، گوزران (نزدیک بندر لنگه) و خارک بود. ساسانیان در زمینه تجاری- بازرگانی، تا سیلان با امپراتوری روم شرقی رقابت می کردند (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۰۲-۱۰۳). هر چند در منابع موجود چینی اشاره مستقیمی به تجارت دریایی میان چین با نواحی غرب آن از جمله ایران نشده، با وجود این شواهدی از داد و ستد منظم میان چین و ایران از طریق دریای جنوبی چین مقارن با قرون ۵-۶ م در دست است، به گونه ای که حتی همراه با کالاهای غیر ایرانی که از نواحی غربی وارد چین می شد مجموعاً به نام کالای ایرانی، شهرت داشتند (Pulley Blank, ۱۹۹۲, ۴۲۸).

در این میان راه های دریایی، خلیج فارس را به سواحل هند، اندونزی و چین مرتبط می ساخت. ظاهراً تا قبل از تشکیل سلسله تانگ (۹۰۷-۶۱۸ م) در چین، بخش شرقی تجارت در دست بازرگانان اندونزیایی بود؛ اما سیلان نقطه ای بود که از آن کالاهای چینی به مقصد غرب فرستاده می شد و کالاهای ایرانی (پوسی) نیز در سیلان به مقصد چین مبادله می شدند (دینا، ۱۳۹۶: ۱۳). از دوران سلسله تانگ شواهدی در دست است که نشان می دهد کشتی های ایرانی و عربی همواره به شهرهای بندری هانویی و کانتون رفت و آمد می کردند (Pulley Blank, ۱۹۹۲, ۴۲۸). در این میان کشف سکه های ساسانی در بندر کانتون در جنوب چین، حاکی از خطوط ارتباط تجاری میان چین و خلیج فارس است (تشکری، ۲۵۳۶: ۴۲). از آنجایی که ساسانیان درصدد ایجاد تسهیلات جهت دسترسی به بازارهای خارجی از طریق دریاها بودند (غنیمی فرد، ۱۳۸۰: ۵۶)، لذا بنادر خلیج فارس به پایگاه های تجارت تبدیل شدند. بسیاری از بازرگانان ایرانی برای خرید ابریشم به چین می رفتند و چون رومیان برآن شدند که آنان نیز چنین کنند، ایرانیان با احداث بنادر و مهاجرنشین های ایرانی در شرق آسیا با رومیان مقابله کردند (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۰۵). ایجاد یک بار انداز در جنوبی ترین نقطه کانالی که رودخانه زرد را به یانگ تسه مرتبط می ساخت، موجب اسکان

چندین هزار تاجر بیگانه و ایرانی^۱ در آن شد که متأسفانه در سال ۷۶۰م توسط سربازان شورشی چین قتل عام شدند (۴۲۷-۴۲۶، ۱۹۹۲، Pulley Blank).

۳-۱- مهمترین کالاهاى تجارى

ابريشم چين مهمترين كالای تجارى قرون ۴ تا ۷ م بود كه از طريق آسیای میانه در شرق و غرب در رفت و آمد بود (واتسن ، ۱۳۶۸ : ۶۵۹). یگانه محصولی که در روم شرقی نیز متقاضیان بی شماری داشت ابریشم بود و ساسانیان می کوشیدند که بر تجارت آن کنترل داشته باشند (دریایی ، ۱۳۸۴ : ۱۰۷). تأسیس کارگاه های پارچه بافی در گندی شاپور و شوشتر در عصر شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹م) توسط صنعتگران و نساجان سوری (گیرشمن ، ۱۳۹۰ : ۲۲۶ ؛ گیرشمن ، ۱۳۷۲ : ۴۰۹) ، در واقع جهت رقابت با کارگاه های چینی و سوری - فنیقی ایجاد شد که در آنها ابریشم خام به پارچه های طرحدار تبدیل می شد (دریایی ، ۱۳۸۴ : ۱۰۷).

در منطقه تون هوانگ واقع در شمال غرب چین در منطقه سین کیانگ (فرای ، ۱۳۸۲ : ۵۶۰-۵۵۹)، که به عنوان آخرین پایگاه سرحدی چین روی بیابان های وسیع حوزه تاریخ گشوده می شود (گیرشمن ، ۱۳۹۰ : ۳۵۴) در دستنوشته های بازرگانان که توسط اشتاین در منطقه مزبور کشف شدند، از کالاهاى تجارى میان چین و غرب مانند ابریشم ، منسوجات ، الیاف کتف ، جُل ، فرش ، عطر ، مشک ، برنج ، شراب ، دارو ، شمع و کافور یاد شده است (Pulley Blank, ۱۹۹۲, ۴۲۶).

بر اساس مندرجات «تاریخ وی» ایرانیان بالغ بر ۳۷ کالا را به چین وارد کردند(تشکری، ۲۵۳۶: ۲۷). مهمترین کالاهاى صادراتی ایران در عصر ساسانیان به چین عبارت بودند از : سنگ های گرانبها ، بلور ، فیروزه ، کهربا ، عقیق ، گوهرهای مصنوعی ، فرش ، گیاهان خوشبو ، تخم شتر مرغ ، مرجان ، صمغ استراک ، بوريا ، قالیچه های پشمی ، جواهر ، مواد خوشبو ، ظروف شیشه ای (واتسن ، ۱۳۶۸ : ۶۶۲-۶۶۳) ، محصولات کشاورزی و فلزی (پیکولوسکایا ، ۱۳۷۲ : ۳۵۴) ، فولاد (دریایی ، ۱۳۸۲ : ۸۷) ، وسمه ، طلا ، نقره ، مس ، بلور کوهی ،

^۱-Hu

^۲- Tun-huang

مروارید (کریستن سن ، ۱۳۸۴ : ۱۹۱) ، انواع پارچه ها بخصوص دِیبا ، کتان گلدوزی شده ، قلابدوزی و اسب (غنیمی فرد ، ۱۳۸۰ : ۵۵) و نباتاتی شامل یونجه ، عناب ، مرّ ، انقوزه ، مازو ، زیره ، چغندر ، (یه ئی لیانگ ، ۱۳۶۶ : ۴ / ۸۶۲-۸۶۱) . مهمترین کالاهای وارداتی از چین به ایران در عصر ساسانیان عبارت بودند از : کاغذ چینی (برای مصارف اداری) ، آهن سریکایی یا چینی (واتسن ، ۱۳۶۸ : ۶۶۴-۶۶۳) ، زرد آلو ، هلو (یه ئی لیانگ ، ۱۳۶۶ : ۴ / ۸۶۳ ؛ گیرشمن ، ۱۳۷۲ : ۳۴۱ ؛ ویسهوفر ، ۱۳۷۸ : ۱۸۶) ، ابریشم ، حریر ، دارچین ، ربوند ، مرکب ، ظروف چینی ، چوب چینی (یه ئی لیانگ ، ۱۳۶۶ : ۴ / ۸۶۶ ؛ دریایی ، ۱۳۸۴ : ۱۰۵) و پرندگانمانند طاووس (غنیمی فرد ، ۱۳۸۰ : ۵۵) .

۴-۱ - بازرگانان سغدی (واسطه های تجارت ایران و چین)

از آنجایی که بازرگانان ایرانی برای خرید ابریشم به چین در تردد بودند ، رومیان نیز بر آن شدند تا چنین کنند ، اما تجار ایرانی با احداث بنادر و مهاجر نشین هایی در شرق آسیا مانعی بر سر راه رومیان ایجاد کردند ، در نتیجه یوستی نیاوس (امپراتور روم) تصمیم گرفت از حبشی ها در امور بازرگانی استفاده کند ، اما آنان نمی توانستند از هندیان ابریشم بخرند زیرا همیشه ایرانیان قبل از رومیان در بندرگاه های مخصوص کشتی های هندی ، لنگر انداخته و تمام محموله را یک جا می خریدند (دریایی ، ۱۳۸۴ : ۱۰۵) . احداث مهاجرنشین های ساسانی نه تنها به تأسیس شهرهای جدید و افزایش جمعیت منطقه بلکه به انتقال جماعات دور افتاده به مناطق اطراف جاده ها و اشتغال آنان به امور بازرگانی انجامید (همان ، ۱۰۶) .

به نظر می رسد که در زمینه تجارت خشکی میان نواحی غرب آسیا و چین عمدتاً بازرگانان سغدی به صورت گروهی فعالیت داشتند؛ چنان که تصاویر و نقوش مندرج روی ظروف سیمینی که از چین به دست آمده حاکی از آن است که منطقه مرزی سغدیان ، محور اصلی مناسبات ایران و چین و مکان مبادله کالا و انجام امور مربوط به صادرات و واردات میان طرفین بوده است (واتسن ، ۱۳۶۸ : ۶۷) . هر چند سغدی ها که از ملاکان بزرگ آسیای میانه و فروشندگان کالاهای تجملی محسوب می شدند ، پیرو ادیان گوناگونی مانند مانویت ، مسیحیتِ نسطوری ، زرتشتی و... بودند ، اما همانند خوارزمیان با اتخاذ رویکردی بر پایه دنیا

داری و پرهیز از تعصب در دینداری، نظام ویژه ای در زمینه بازرگانی بنیان نهاده و با آمیختن برخی از جنبه های مکاتب ادیان بیگانه با ادیان خود به تجارت می پرداختند. در این راستا ضرب سکه در دو شهر سمرقند و بخارا امور بازرگانی را برای سغدیان راحت تر می کرد. چینی ها در قرن ۶م بر فرغانه، سمرقند و نواحی شرقی نفوذ یافتند و تنها خریدار کالاهای سغدیان بودند؛ چنانکه اسناد مکشوفه در تون هوانگ (متعلق به آغاز قرن ۳ م) حاکی از رونق داد و ستد میان چین و منطقه سغد است (فرای، ۱۳۸۲: ۵۵۹-۵۶۰). همچنین بر اساس متون به دست آمده از تورفان و تون هوانگ حدود ۱۰۰ شاهزاده سغدی از سمرقند به تون هوانگ رفته و به کار داد و ستد اشتغال داشتند (گاباین، ۱۳۶۸: ۷۲۹). علاوه بر این تعداد بسیاری از بازرگانان سغدی که به شهر لیانگ در چین رفت و آمد داشتند، به هنگام تصرف کوتسانگ در سال ۴۳۹ م به اسارت در آمدند و تعداد دیگری از آنان در چانگ-آن اقامت داشتند (امریک، ۱۳۶۸: ۳۷۴). در این راستا ازدواج های سغدیان با مردم محلی و تشکیل مهاجر نشین های بزرگ و ماندگاه هایی در امتداد دو جاده شمالی و جنوبی تاریخ (واتسن، ۱۳۶۸: ۶۶۵) و کانسو، چانگ-آن، لویانگ، یانگ چو (۴۲۷، ۱۹۹۲, Pulley Blank) که در دوران سلسله های چینی سوی شمالی (۴۲۱-۵۱۶ م)، سوی جنوبی (۴۲۱-۶۱۷ م) سوئی (۶۱۸-۵۸۹ م) و تانگ (وحدت مجدد چین ۹۰۶-۶۱۸ م) به وقوع پیوست، موجب شد تا سغدیان موقعیت بهتری را در زمینه تجارت و بازرگانی با چین به دست آورند (واتسن، ۱۳۶۸: ۶۶۵). یافته های باستان شناختی حاکی از گسترش روابط تجاری میان ایران و چین در اواخر قرن ۶ و اوایل قرن ۷ م دارد که در این میان مهاجرت صنعتگران سغدی و بلخی به نواحی شمال غربی چین افزایش داشت و کالاهای ایرانی به صورت گسترده تری به چین صادر می شد (پاشا زانوس، ۱۳۹۹: ۲۲). با توجه به سکه های متعلق به عصر خسرو پرویز که از نواحی شمال و شمال غربی چین به دست آمده می توان چنین نتیجه گرفت که نابودی هپتال ها در آسیای مرکزی و افزایش نفوذ ساسانیان در عصر خسرو پرویز بخصوص از

طریق تجار سغدی در شمال و شمال غرب چین افزایش داشته است (پاشا زانوس، ۱۳۹۹: ۲۵-۲۳ به نقل از ۹۱-۹۲: ۱۹۷۴, Hsia, ۳۵, ۵۴: ۲۰۰۴, sun).

هیسه لی^۱ آخرین قآن ترکان شمالی (مغولستان امروزی) به سغدیان توجه ویژه ای داشت. بازرگانان سغدی دارای کوچ نشین هایی در آی چو^۲ و در جنوب ناحیه لوب نور^۳ بودند که در ایام سلسله سوئی در آن نواحی به سر می بردند (امریک، ۱۳۶۸: ۳۷۳). در سال ۶۳۰ م سغدیان و ترکان شمالی به اسارت چینی ها در آمدند و چینی های آنان را در بود باش ها (حمایت شده) اسکان دادند و در سال ۶۷۹ م شش مکان به نام « هو »^۴ به معنی بیگانگان آسیای میانه بخصوص ایرانیان (واتسن، ۱۳۶۸: ۶۶۶) و به قولی به معنی بازرگانان سغدی را در بخش جنوبی اوردوس بنا کردند و آنان را فرمانگزار خود کردند. به عبارتی آی چو و هفت شهر از جنوب لب نور فرمانگزار چینی ها شدند (امریک ۱۳۶۸: ۳۷۳). متعاقب شورش پنج فرمانگزار سغدی اسکان یافته در هو علیه چینی ها ، تعداد بسیاری از سغدیان به فرمانگزاری های جدید منتقل شدند و سرانجام کوچ نشینان سغدی در سال ۷۹۹ م به ناحیه شوچو^۵ و یون چو^۶ منتقل گردید و در نتیجه آنان اوردوس را ترک کردند (امریک ۱۳۶۸: ۳۷۶).

انگیزه اصلی بازرگانان سغدی از تجارت طبیعتاً سود اقتصادی بود؛ اما سیاست های اقتصادی دولت ساسانی که برخلاف امپراتوری روم شرقی به جای طلا از سکه نقره استفاده می کردند در مناسبات با چین بسیار مهم بود. متعاقب توافق ضمنی دولت ساسانی با روم شرقی، سکه نقره ساسانیان به عنوان سکه برگزیده در تجارت به کار گرفته شد ، چنانکه حتی در نواحی دور دستی مانند هندوستان و غرب چین مورد استفاده قرار می گرفت . در این میان

^۱- Hsieh-Liqaghn

^۲-I-Chou

^۳-Lob Nor

^۴- Hu

^۵- shuo chuo

^۶- yun chou

درجه خلوص سکه های تولید شده در نواحی شمال شرقی ایران عصر ساسانی بیشتر بود، بخصوص آن که یکی از مهمترین معادن نقره در پنجیر خراسان (شمال شرقی افغانستان فعلی) قرار داشت (دریایی، ۱۳۸۴: ۱۱۶). با توجه به تاریخ ضرب سکه های آغازین قرن ۶ م در دولت ساسانیان، مرحله جدیدی در توسعه اقتصادی - تجاری آسیای میانه و بخصوص سغد ایجاد شد (همان: ۱۰۸). به علاوه کشف سکه های سیمین متعلق به قرون ۷-۵ م نشانگر آن است که برای ایجاد توازن در پرداخت بهای کالاها از سکه های نقره ای که با سیاست های مالی چین نیز سازگاری داشت، استفاده می شد (واتسن، ۱۳۶۸: ۶۶). از دیگر انگیزه های سغدیان در کنار علایق بازرگانی، تمایل به تبلیغ آیین خود در میان بیگانگان بود (امریک، ۱۳۶۸: ۳۷۵). مهمترین آیین های دینی که سغدیان بدان پایبند بودند و موجب انتشار آن در چین و ترکستان شدند عبارتند از: زرتشتی، مسیحیت نسطوری، مانوی و بودایی (هاندا، ۱۳۵۰: ۳۴ / ۳۹-۳۱، تشکری، ۲۵۳۶: ۹۶-۱۱۲؛ یه ئی لیانگ، ۱۳۶۶: ۴ / ۸۵۹-۸۵۴).

۲- روابط سیاسی ایران و چین در عصر ساسانیان

ایران و چین در عصر ساسانی علاوه بر روابط اقتصادی-تجاری، دارای روابط سیاسی نیز بودند. غالباً ساسانیان به هنگام ضعف در برابر اقوام بیگانه، بیابانگردان و چادر نشینان آسیای مرکزی همانند هیاطله، هون ها، کیداریان و... که هم مرز ایران و چین بودند، در راستای گسترش روابط سیاسی با چین اقدام می کردند، اما این روابط در پایان دوران ساسانی یعنی از دوران یزدگرد سوم (۶۳۳-۶۵۱ م) و بازماندگان او پر رنگ تر شد.

در قرن ۵ م متعاقب تسلط حکام دولت « پی وئی»^۱ بر مناطق حوزه تاریخ، تجارت میان آسیای غربی و شرقی (از جمله ایران) بیش از پیش مورد توجه آنان قرار گرفت (هاندا، ۱۳۵۰: ۳۳ / ۱۶۰). از میان شاهان ساسانی برای اولین بار یزدگرد دوم در سال ۴۵۵ م هیئت را به دربار «وین چن دی» امپراتور سلسله وی شمالی فرستاد که منجر به ایجاد روابط سیاسی چین با شاهان ساسانی شد (تشکری، ۲۵۳۶: ۶۲ و ۶۴؛ سین لیان، ۱۳۸۶: ۵۹). بر اساس

^۱ - pei wei

مندرجات «تاریخ دودمان وی» پیروز (۴۸۴۹-۴۵۹م) در نتیجه تهاجمات هیاطله به مرزهای شرقی ساسانیان و شکست از آنان، تعداد چهار هیأت در سال های ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۶۸ و ۴۷۶م همراه با هدایای نفیس به دربار امپراتور سلسله وی فرستاد (هاندا، ۱۳۵۰: ۳۳ / ۱۶۰؛ تشکری، ۲۵۳۶: ۶۲؛ سین لیان، ۱۳۸۶: ۵۹). همچنین با توجه به اینکه قلمرو هپتال ها ما بین قلمرو ایران و چین قرار داشت، پیروز با اعزام سفیری به دربار خاقان چین از دودمان سوی جنوبی (۴۲۱-۶۱۷م) تقاضای کمک جهت سرکوبی هپتال ها را کرد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۰: ۲۲۲). در دوران قباد اول (۴۹۶-۴۸۸م - ۵۳۱-۴۹۹م) هیأت هایی در سال های ۵۰۷، ۵۱۸، ۵۲۱ و ۵۲۲م به دربار امپراتور سلسله وی شمالی فرستاده شد تا در برابر فشارهای هیاطله از حمایت این دولت برخوردار شود (هاندا، ۱۳۵۰: ۳۳ / ۱۶۰؛ سین لیان، ۱۳۸۶: ۵۹؛ بیانی: ۱۳۵۰، ۳۵ / ۲۴۵؛ یه ئی لیانگ، ۱۳۶۶: ۴ / ۸۴۸).

خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹م) در سال های ۵۳۳ و ۵۳۵م سفرای خود را به دربار سلسله لیانگ جنوبی فرستاد (۴۲۴، Pulley Blank, ۱۹۹۲). همچنین در سال ۵۵۰م خسرو پرویز سفرایی به دربار حاکم سلسله سوی جنوبی اعزام کرد و تقاضا نمود تا با یاری آنان برای دفع ترکان درمرزهای شرقی ایران حمایت شود (مشکور، ۱۳۵۶: ۲۲). در این راستا دو سفیر از دربار چین با هدایای ارزشمند و قابل توجهی برای شاه ایران از جمله یک اسب مروارید که دیدگان سوارش از یاقوت سرخ و دسته شمشیرش از زمرد و یک جامه ابریشم طلایی رنگ چینی با نقش شاه که درون زنبیل های طلا جای داده شده و کنیزی زیبا حامل آن بود به دربار ایران فرستاده شد (مسعودی، ۱۳۴۴: ۱ / ۲۶۰). در عصر خسرو پرویز، سفیر امپراتور یانگ از سلسله سوئی به نام «لی یوه» به دربار شاه ایران فرستاده شد که به احتمال بسیار «لی یوه» با نامه و هدایای شاه ایران به چین بازگشت (تشکری، ۲۵۳۶: ۳۱؛ پاشا زانوس، ۱۳۹۹: ۲۲ به نقل از ۱۴۹: ۸۳. j. ۱۹۷۳, wei zheng).

در فاصله پایان حکومت خسرو پرویز (۶۲۸-۵۹۰م) تا روی کار آمدن یزدگرد سوم (۶۳۳-۶۵۱م)، ایران چنان دچار تشتت و نا آرامی شد که شاهان این سلسله یا طول مدت

حکومت شان اندک بود یا در توطئه ها به قتل می رسیدند و این در حالی بود که در سال ۶۱۸ م/مقارن با تشکیل سلسله تانگ، قلمرو چین بار دیگر به وحدت رسید. با روی کار آمدن یزدگرد سوم (۵۱۳۳-۶۳۳ م) حکومت ایران علاوه بر مشکلات داخلی، گرفتار جنگ با تازیان (اعراب مسلمان)^۱ شد. اعراب مسلمان در خلال جنگ های قادسیه (۱۴ هـ. ق) و جلولاء (۱۶ هـ. ق) و... دولت ساسانی را شکست دادند، لذا در سال ۶۳۹ م/ هنگامی که یزدگرد سوم ناکامی خود را نزدیک دید، برخی اعضای خانواده خود از جمله دو پسر و سه دخترش (دریایی، ۱۳۸۲: ۵۴۱) را همراه با گنجینه های خود نزد خاقان چین فرستاد و عازم نهبوند شد (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۷۲)؛ اما نتوانست از تهاجمات روز افزون اعراب مسلمان ممانعت به عمل آورد، در نتیجه به ماهوی سوری (مرزبان مرو) پناه آورد. ماهوی نیز کمکی به یزدگرد نکرد، در نتیجه یزدگرد به شرق ایران عقب نشینی کرد تا با کمک دولت هایی مانند سوی جنوبی در چین، از تهاجمات بیشتر تازیان ممانعت نماید. لذا در این راستا وی با فرستادن نامه ای به دربارخاقان چین «تائی تسونگ»، از وی طلب کمک نمود، اما وی به یاری یزدگرد سوم نپرداخت (کریستن سن، ۱۳۸۴: ۳۶۳؛ فرای، ۱۳۶۸: ۲۷۲). پاسخ خاقان به یزدگرد سوم چنین بود: «اگر سپاهی سوی تو نمی فرستم.... آن نیست که از تکلیف خود غافلم، ولی این قوم که فرستاده تو وصف شان را با من بگفت، مادام که چنین باشند، اگر آهنگ کوه کنند آن را از پیش بردارند و اگر فراهم باشند مرا نیز از جای ببرند. با آنها صلح کن و خشنود باش که با هم به یک دیدار باشید و مادام که تو را تحریک نکنند، تحریک شان مکن» (طبری،

^۱ - تازی در قالب صفت به معنی دونده و تازنده است. اما در مفهوم واژه ای به معنی مردم تازنده و لقبی است که ساسانیان به قبایل عرب طی دادند. بتدریج این نام از سوی ساسانیان برای همه اعراب به کار رفت که به مرزهای ایران می تاختند. بعد از ورود اسلام به ایران نیز واژه تازی یا تاجیک تغییر مفهوم داد و به همه مسلمانان ماورالنهر در مقابل قبایل ترک ساکن در ترکستان غربی اطلاق شد (رامپوری، ۱۹۰۴/م: ۹۱؛ تبریزی، ۱۳۷۶: ۴۵۸).

۱۳۸۳: ۵ / ۲۰۰۵). احتمالاً این نامه در سال ۶۴۷م توسط هیأتی به رهبری مرزبان به دربار چین فرستاده شد (تشکری، ۲۵۳۶: ۸۴-۸۵). برخی از مورخان معتقدند که خاقان چین با حمایت از ماهوی سوری و تضعیف هر چه بیشتر دولت ساسانی درصدد متلاشی کردن این امپراتوری بود، اما خبر نداشت که تازیان حتی تا ترکستان چین فتوحات خود را گسترش خواهند داد (باستانی پاریزی، ۱۳۸۰: ۲۲۶). از سوی دیگر در صورتی که یزد گرد سوم می توانست با کمک خاقان چین حکومت مستقلی در شرق ایران تشکیل دهد، علاوه بر آنکه تجارت شرق و غرب بخصوص جاده ابریشم در انحصار دولت ایران قرار می گرفت، می توانست به خطر عمده ای در مرزهای دولت چین تبدیل شود.

سرانجام پس از قتل یزد گرد سوم، پسرانش به چین گریختند تا از گائوزونگ، امپراتور وقت سلسله تانگ برای پیکار با اعراب مسلمان کمک بخواهند. در این میان پیروز، بزرگترین پسر یزد گرد سوم، نامه هایی در زمینه تهاجمات اعراب به ایران برای امپراتور ونگ - مینگ - یوان ارسال نمود. لذا امپراتور چین، فرماندار منطقه نانیو در استان لونگ را به نواحی غربی فرستاد تا آن را به تعدادی شهرستان تقسیم نماید و در نتیجه قلعه چی لینگ به مقر فرمانداری کل ایران و پیروز نیز به مقام فرماندار کل ایران تبدیل شد (هاندا، ۱۳۵۰: ۳۳ / ۱۶۸). اما این تدابیر نافرجام بود و اعراب مسلمان سرانجام ایران را فتح کردند؛ در نتیجه پیروز با بخشی از ایرانیان متعصب زرتشتی به تخارستان (توهولو - ازبکستان) که در قلمرو چین بود پناهنده شدند. وی کوشید تا با پشتیبانی سغدیان و شاهزادگان هپتالی ساکن در تخارستان، از پیشروی تازیان به نواحی شرقی جلوگیری کند. در این راستا سپاهیان شاه طخارستان از او حمایت کردند، لذا وی خود را «شاه ایران» نامید و قلمرویی در سیستان به نام « ناحیه فرماندهی ایران»^۱ تأسیس کرد که در سال های ۶۶۳-۶۰۸ م در آن اقامت داشت. امپراتور چین نیز وی را به عنوان شاه مشروع ایران به رسمیت شناخت (یه ئی لیانگ، ۱۳۶۶: ۴ / ۸۴۸؛ سین لیان، ۱۳۸۶: ۷۷؛ دریایی، ۱۳۸۴: ۵۷؛ دریایی، ۱۳۸۲: ۵۴). با وجود این هنگامی که

^۱-Bosi dudufu

پیروز، پیکي را به دربار امپراتور تانگ فرستاد، تا او را در برابر تازیان یاری کند، امپراتور چین به بهانه بُعد مسافت امتناع کرد. پیروز بار دیگر از امپراتور چین در برابر حملات تازیان تقاضای حمایت و یاری نمود، اما این تقاضا با اقبالی در دربار تانگ مواجه نشد (فرای، ۱۳۶۸: ۲۷۲). در سال ۶۶۱ م / پس از آن که امپراتور چین موفق به شکست ترکان منطقه ترکستان شرقی شد، دولتی به نام « ایران تزی کیک »^۱ تشکیل داد و پیروز را به عنوان پادشاه ایران پذیرفت. برخی از پژوهشگران معتقدند که « تزی کیک» در انتهای سیستم بوده و برخی آن را نزدیک رود سیحون پنداشته اند (مشکور، ۱۳۶۳: ۴۹۰). سرانجام امپراتور چین تای - چونگ (۶۲۷-۶۴۹م) از سلسله تانگ با شکست دادن ترکان غربی و شرقی به قدرت یکه تاز آسیای مرکزی تبدیل شد و شاهزادگان کوچک و بزرگ آسیای مرکزی که سابق بر آن تحت تسلط خاقان ترک بودند، تحت نفوذ امپراتور چین قرار گرفتند (تشکری، ۲۵۳۶: ۳۳). علاوه بر این در اواخر حکومت ساسانیان، امپراتوری چین بر نواحی شرق ایران مانند یارکند، ختن، کوچه، کاشغر، قراشهر و تورفان تسلط یافت. پس از آن شاهان فرغانه و بخارا به نوعی خود را تحت حمایت چین قرار دادند. انعقاد این صلح در آسیای میانه که واتسن تحت عنوان « صلح چینی » از آن یاد کرده است، موضوع پناهندگی آخرین شاه ساسانی با پسرش به دربار چین را قابل درک می سازد (واتسن، ۱۳۶۸: ۶۵۸).

سرانجام متعاقب حمله تازیان به تخارستان (۵۷ هـ. ق)، پیروز شاهزاده ساسانی به دربار خاقان چین پناهنده شد (سال ۶۷۷ م) و منزلتی والا یافت و در ردیف افسران افتخاری خاقان (ژنرال گارد جنگی راست) قرار گرفت (تشکری، ۲۵۳۶: ۹۰-۹۱). پیروز موفق شد تا موافقت خاقان را برای ایجاد آتشکده ای جهت زرتشتیان ایرانی که به چین مهاجرت کرده بودند به دست آورد. این آتشکده در شهر چانگ- آن مرکز حکومت سلسله تانگ بر پا شد و به معبد ایران مشهور گردید (فرای، ۱۳۶۸: ۲۷۲؛ نفیسی، ۱۳۸۳: ۱۹۲؛ هاندا، ۱۳۵۰: ۳۴ / ۳۲؛ بیانی: ۱۳۵۰: ۳۵ / ۲۴۴، دریایی، ۱۳۸۲: ۵۴۲). پیروز سعی کرد در تخارستان شاهنشاهی

^۱ - Tezi. Kik

ساسانی را احیا کند ، اما تاخت و تازهای مکرر تازیان این فرصت را برای او فراهم نیاورد ، لذا او تا زمان مرگ در سال ۶۷۷ م/ در چین اقامت داشت (کریستن سن ، ۱۳۸۴ : ۶۵۹) . یادبود پیروز یک تندیس سنگی از او در مدخل آرامگاه گائوزونگ است که هنوز وجود دارد که بر آن این عبارت حک شده : « پیروز شاه ایران ، سردار بزرگ سپاه ، دلاور راستی و فرمانده کل ایران » (دریایی ، ۱۳۸۴ : ۵۷) .

پس از مرگ پیروز ، فرزند وی نرسی (نی- نی- سه یا نی نیش در منابع چینی) با حفظ مقام افتخاری پدرش به دربار امپراتور چین آمد تا همراه با آنان در جنگ با ترکان شرکت کند. وی نتوانست به هدف نهایی خود یعنی ایران لشکر کشی کند ، زیرا بر خلاف انتظار پیروز، فرمانده گروه پیاده نظام چینی به نام پسینگ چین و سربازانش در این زمینه به پشتیبانی و حمایت از پیروز نپرداختند(هاندا، ۱۳۵۰ : ۳۳ / ۱۶۹) ، با وجود این امپراتور چین لقب « شاهنشاه ایران زمین » را به پیروز اعطا کرد (تشکری، ۲۵۳۶ : ۹۱-۹۲ ؛ زنجانی، ۱۳۸۰ : ۲ / ۵۳۶) . نرسی مدت ۲۰ سال در تخارستان اقامت کرد و به عنوان یک پادشاه دست نشانده در مرزهای شرقی افغانستان که تحت حمایت حکام ترک تخارستان بود مبدل شد (Pulley ۱۹۹۲, ۴۲۵, Blank ؛ هاندا، ۱۳۵۰ : ۳۳ / ۱۶۹) . اما سرانجام متعاقب تهاجمات مجدد تازیان به تخارستان ، نرسی به چین عقب نشینی کرد و به مقام فرماندهی دست چپ امپراتور چین کینگ - لونگ برگزیده شد(تشکری، ۲۵۳۶ : ۹۲ ؛ یه ئی لیانگ، ۱۳۶۶ : ۴ / ۸۴۸ ؛ دریایی، ۱۳۸۲ : ۵۴۴) . پسر دیگر یزد گرد سوم به نام بهرام (آلو ئوهان در منابع چینی) کوشید تا نواحی از دست رفته را از تازیان بازستاند ، اما ناکام ماند.پس از مرگ وی در سال ۷۱۰ م پسرش خسرو (جولوئو در منابع چینی) با کمک ترکان به ایران حمله کرد، اما نتوانست اعراب مسلمان را شکست دهد (Pulley Blank, ۱۹۹۲, ۴۲۵ ؛ دریایی، ۱۳۸۲ : ۵۴۶) .

این مسائل نشان می دهد که امید به احیای امپراتوری ساسانی در میان مردم آسیای میانه و شرق ایران بخصوص در میان اشراف زرتشتی و فراری وجود داشت (فرای ، ۱۳۶۸ : ۲۷۲) .

در منابع چینی اطلاعات چندانی از دیگر بازماندگان دودمان ساسانی ارائه نشده، اما پاره ای از مورخان چینی از پشنگ (پوشان هوئر) به عنوان آخرین بازمانده دودمان ساسانی که تا سال ۷۲۹ م در قید حیات بود نام برده اند (مشکور، ۱۳۶۳: ۴۹۰). در برخی از منابع چینی نیز ذکر شده که یک شاهزاده پارسی به نام «موشائو» در سال ۷۴۶ م به دربار امپراتور تانگ آمد و لقب «جه جون» یا سپهبد را از امپراتور چین دریافت کرد (سین لیان، ۱۳۸۶: ۷۸). بر اساس کتاب «تزویه - چیه - تونگ - چیشن» در سال ۷۸۷ م حدود ۴۰۰۰ ایرانی در چانگ-آن پایتخت دولت تانگ زندگی می کردند که از سوی دولت تانگ به لشکری تحت عنوان «شن تیسن» ملحق شدند (هاندا، ۱۳۵۰: ۳۳ / ۱۷۰؛ آذری، ۱۳۶۷: ۶۲). علاوه بر این، وجود کتیبه دو زبانه فارسی میانه - چینی بر سنگ قبر شاهدختی از خاندان سورن متعلق به سال ۸۷۲ یا ۸۷۴ م حاکی از آن است که اعقاب دودمان ساسانی تا مدت ها به حیات خود (در تبعید) ادامه دادند (فرای، ۱۳۶۸: ۲۷۲). روی این سنگ قبر چنین نوشته شده: «این انوشه روان شاهزاده خانم ماسیس دختر انوشه روان سردار سوار سی زین سی از خاندان سورن» (هاندا، ۱۳۵: ۳۳ / ۱۷۰).

نتیجه گیری

از مباحث مطرح شده در این پژوهش چنین بر می آید که اصلی ترین راه برقراری روابط اقتصادی - تجاری ایران با چین در عصر ساسانیان همانند عصر اشکانیان، جاده ابریشم بود، که محور کلیدی و کانون اساسی آن در نواحی شرقی ایران بخصوص سغد قرار داشت. در دوران اشکانیان امپراتوری کوشان ها واسطه تجارت نواحی شرق ایران با چین بودند، اما متعاقب سقوط کوشان ها و تصرف شهرهای دره سند، بلخ، سمرقند و تاشکند توسط ساسانیان، بازرگانان سغدی به عنوان واسطه تجارت ایران و چین جایگزین کوشان ها شدند. از سوی دیگر رقابت های ساسانیان با امپراتوری روم شرقی بخصوص در زمینه حفظ انحصار تجارت ابریشم نه تنها موجب احداث بنداری در دو طرف خلیج فارس شد، بلکه در شرق منجر به احداث مهاجر نشین ها و شهرهای جدید در اطراف جاده ها و نواحی دور افتاده آسیای میانه

گردید. به تدریج سکنه مهاجرنشین های مزبور تبدیل به بازرگانان زبر دستی شدند که به نواحی مختلف چین رفت و آمد داشتند. علاوه بر این اقامت بخش وسیعی از بازرگانان سغدی در دو شهر لویانگ و چانگ- آن به گسترش روابط میان ایران و چین در عصر ساسانیان منتهی گردید، به گونه ای که از طریق همان مهاجرنشین ها، آیین های بودایی، مانوی، نسطوری و زرتشتی به چین نفوذ کرد. در اواخر دوران ساسانی، به هنگام ضعف این امپراتوری روابط ایران و چین رنگ سیاسی به خود گرفت. همانگونه که سال ها قبل پیروز (۴۵۹-۸۴۵۹م) در مقابل هپتال ها از چین تقاضای کمک نمود، خسرو انوشیروان نیز برای دفع ترکان مرزهای شرقی و یزدگرد سوم و فرزندانش برای دفع تهاجمات اعراب مسلمان به خاقان چین متوسل شدند. عدم حمایت یزدگرد سوم از سوی خاقان چین و پناهندگی پسران یزدگرد سوم به تخارستان و حمایت مردم تخارستان، سغدیان و شاهزادگان هپتالی (دشمنان سابق ساسانیان) از پیروز (پسر یزدگرد سوم) و قلمداد کردن وی به عنوان شاه ایران، موجب شد تا دولت چین به تقاضاهای دوگانه پیروز جهت کمک به وی در برابر تهاجم تازیان اعتنایی نکند. اما بلافاصله پس از شکست ترکان، ترکستان شرقی و دفع خطر آنان و به هنگامی که دولت چین از عدم اتحاد احتمالی میان ترکستان شرقی با پیروز مطمئن شد، خاقان چین، پیروز را به عنوان پادشاه ایران در بخش کوچکی از انتهای سیحون و به قولی سیستان به رسمیت شناخت. تهاجم مسلمانان به تخارستان موجب پناهندگی پیروز به دربار خاقان چین شد و تلاش های او برای احیای پادشاهی اش در تخارستان بی نتیجه ماند. تلاش های نرسی فرزند پیروز و بهرام پسر یزدگرد سوم در حمله به تازیان نیز ناکام ماند. در واقع عدم حمایت خاقان چین از اعقاب ساسانیان در برابر تازیان به این دلیل بود که ساسانیان خطری برای آنان محسوب می شدند، در نتیجه آنان اجازه دادند تا سلسله ساسانیان از بین رفته و در میان دو قدرت مسلمانان و ترکان شرقی قرارگیرد. پناهندگی پیروز به دربار خاقان چین و قرار گرفتن وی در ردیف افسران افتخاری خاقان چین و بنای آتشکده در چانگ- آن هرچند موجب اقامت دائمی اعقاب یزدگرد سوم از جمله: پیروز، نرسی، خسرو، بهرام، پشنگ و... در چین شد، اما بازماندگان

دودمان ساسانی را در خود حل نمود. بدین ترتیب روابط ایران و چین که در آغاز عصر ساسانیان جنبه اقتصادی- تجاری داشت، در اواخر حکومت ساسانیان کاملاً جنبه سیاسی یافت.

منابع و مطالعات :

- ابن حوقل، سفرنامه ابن حوقل، ایران در صورۀ الارض، ترجمه دکتر جعفر شعار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵.
- ابن خردادبه، مسالک و ممالک، ترجمه سعید خاکرند، تهران: میراث ملل، ۱۳۷۱.
- امریک، ر.ا، «ماندگاہ های ایرانی در خاور کوه های پامیر»، گرد آورنده، جی.آبویل ترجمه حسن انوشه، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (کمبریج)، جلد سوم، بخش اول، ۳۶۳-۳۷۵، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۸.
- آذری، علاءالدین، تاریخ روابط ایران و چین، تهران: سپهر، ۱۳۶۷.
- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ازدهای هفت سر، تهران: نامک، ۱۳۸۰.
- بیانی، شیرین، «نظری به روابط فرهنگی ایران باستان با شرق و غرب»، بررسی های تاریخی، سال ۶، شماره ۳، (ش پیاپی ۳۵)، ۲۳۸-۲۶۲، ۱۳۵۰.
- بیوار، ا.د.ه (۱۳۶۸)، «تاریخ مشرق ایران»، گرد آورنده، جی.آبویل ترجمه حسن انوشه، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (کمبریج)، جلد سوم، بخش اول، ۲۷۷-۳۳۴، تهران: امیر کبیر.
- پاشا زانوس، حمید، «مناسبات ایران و چین در دوره ساسانی و تأثیر آن بر فرهنگ چین با استناد به منابع چینی»، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ ایران و اسلام، تهران: دانشگاه الزهراء، سال سی ام، دوره جدید شماره - ۴۵، شماره (پیاپی ۱۳۵)، ۳۳-۹، ۱۳۹۹.
- پیکولوسکایا، نینا، شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، چاپ دوم، تهران: علمی - فرهنگی، ۱۳۷۲.
- تاراجی، منصور، چین سرزمینی که از نو باید شناخت، چاپ دوم، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۵۰.

دوفصلنامه مطالعات ایران کهن - شماره اول سال اول بهار و تابستان ۱۴۰۰

- تبریزی، محمد حسین بن خلف، برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، چاپ پنجم، جلد اول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۶.
- تشکری، عباس، ایران به روایت چین باستان «نگاهی به روابط سیاسی، تجاری و فرهنگی ایران و چین تا اسلام»، تهران: مؤسسه روابط بین المللی وابسته به وزارت امور خارجه، ۲۵۳۶.
- ثعالبی نیشابوری، ابو منصور، تاریخ ثعالبی (غرر اخبار و ملوک سیرهم)، به کوشش محمد فضایی، تهران: نشر نقره، ۱۳۶۸.
- دریایی، تورج، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس، ۱۳۸۴.
- دریایی، تورج، «فرزندان و نوادگان یزدگرد سوم در چین»، ایران شناسی، دوره جدید، سال ۱۵، شماره- ۵۹، ۵۴۰-۵۴۸، ۱۳۸۲.
- دفینا، پائولو، ایران ساسانی از دیدگاه منابع چینی، ترجمه نازنین خلیلی پور، تهران: آوای خاور، ۱۳۹۶.
- رامپوری، غیاث الدین، غیاث اللغة، چاپ سنگی، کانپور: منشی نوک کشور، ۱۹۰۴/م.
- زنجانی، محمود، تاریخ تمدن ایران باستان، جلد دوم، تهران: آشیانه ی کتاب، ۱۳۸۰.
- زیمال، او، «تاریخ سیاسی ماوراءالنهر»، گرد آورنده، جی.آ.بویل ترجمه حسن انوشه، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (کمبریج)، جلد سوم، بخش اول، ۳۶۲-۳۳۵، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۸.
- سین لیان، جان، متون باستانی پیرامون تاریخ روابط چین و ایران از روزگار اشکانی تا شاهرخ تیموری، ترجمه جان هون نین، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، پژوهشکده ی زبان و گویش، ۱۳۸۶.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری یا تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد پنجم، چاپ ششم، تهران: اساطیر، ۱۳۸۳.

روابط اقتصادی- تجاری و سیاسی ایران و چین در عصر ساسانیان

- غنیمی فرد، حجت الله، نقد و تحلیل تسلط اقتصاد جهانی بر تجارت ایران، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۸۰.
- فرانک، آیرین، براوتسون، دیوید، جاده ی ابریشم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: سروش، ۱۳۷۶.
- فرای، ریچارد نلسون، تاریخ باستانی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ دوم، تهران: علمی- فرهنگی، ۱۳۸۲.
- فرای، ریچارد نلسون، «تاریخ سیاسی ایران در دوره ساسانیان»، گرد آورنده، جی.آ.بویل ترجمه حسن انوشه، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (کمبریج)، جلد سوم، بخش اول، ۲۱۷-۲۷۶، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۸.
- کریستن سن، آرتور، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، چاپ چهارم، تهران: صدای معاصر، ۱۳۸۴.
- گاباین، فن، «مناسبات ایرانیان و ترکان در اواخر دوره ساسانی»، گرد آورنده، جی.آ.بویل ترجمه حسن انوشه، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (کمبریج)، جلد سوم، بخش اول، ۷۲۷-۷۳۹، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۸.
- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، چاپ نهم، تهران: بنگاه نشر ترجمه، ۱۳۷۲.
- گیرشمن، رومن، هنر ایران در دوران پارتی و ساسانی، ترجمه بهرام فره وشی، چاپ سوم. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۹۰.
- لیانگ، یه ئی، «رفت و آمدهای دوستانه بین ایران و چین در زمان های قدیم»، سیاست خارجی، ش ۴، مهر و آذر، ۸۶۶-۸۶۹، ۱۳۶۶.
- مارکوپولو، سفرنامه مارکوپولو، به کوشش آنجلادی جوانی رومانو، ترجمه س منصورى، تهران: بوعلی، ۱۳۶۹.

دوفصلنامه مطالعات ایران کهن - شماره اول سال اول بهار و تابستان ۱۴۰۰

- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین ، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده ، جلد اول، تهران : بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۴۴.
- مشکور ، محمد جواد ، تاریخ روابط فرهنگی ایران پیش از اسلام « تاریخ روابط فرهنگی ایران از آغاز تا قاجاریه» ، جلد نخست، تهران: حوزه معاونت روابط فرهنگی و ورزشات فرهنگ و هنر، ۱۳۵۶.
- مشکور، محمد جواد ، ایران در عهد باستان، چاپ چهارم، تهران : اشرفی ، ۱۳۶۳.
- مقدسی ، ابو عبدالله محمد بن احمد ، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم ، ترجمه علی نقی منزوی ، جلد دوم، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران ، ۱۳۶۱.
- نفیسی ، سعید ، تاریخ ایران ساسانی، به اهتمام عبدالکریم جریزه دار ، تهران : اساطیر، ۱۳۸۳.
- واتسن ، ویلیام ، « ایران و چین» ، گرد آورنده ، جی.آبویل ترجمه حسن انوشه ، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (کمبریج)، جلد سوم، بخش اول، ۶۴۹-۶۷۱، تهران : امیر کبیر، ۱۳۶۸.
- ویسهوفر ، ایران باستان، ترجمه مرتضی ثاقب فر ، چاپ سوم، تهران : ققنوس، ۱۳۷۸.
- هادی ، حسن ، سرگذشت کشتی رانی ایرانیان ، ترجمه امیدآقنداری ، تهران : نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱.
- هاندا، کوائچی، « روابط سیاسی ایران و چین در دوره ساسانی از خلال منابع چینی»، بررسی های تاریخی، سال ۶، شماره ویژه (پیاپی ۳۳)، ۱۷۰-۱۵۷، ۱۳۵۰.
- هاندا، کوائچی « مذاهب ایرانی در چین»، بررسی های تاریخی، سال ۶، ش ۳ (پیاپی ۳۴)، ۴۰-۲۹، ۱۳۵۰.
- یارشاطر ، احسان ، (۱۳۶۸)، « تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی» ، گرد آورنده ، جی.آبویل ترجمه حسن انوشه ، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی (کمبریج)، جلد سوم، بخش اول، ۹-۹۵، تهران : امیر کبیر، ۱۳۶۸.

- Pulley Blank. Edwing. "CHINESE-IRANIAN RELATIONS in pre-Islamic times". Edited by Ehsan Yarshater. *Encyclopedia of IRANICA*. VOLUME v. Mazda polishers. California. ۱۹۹۲.